

مقدمه

تفسیر فاتحه الكتاب امام فخررازی، پربگ و پربارترین تفسیری است که در طول تاریخ اسلام در شرح اسرار و دقائق معنوی و لفظی سوره حمد نوشته شده است. این اثر گرانبها به تازگی با ترجمه و تحقیق و پاورقی های عالمانه سیدجواد هاشمی نژاد به چاپ رسیده است که حاصل زحمات شش ساله ایشان و دقت علمی بسیاری می باشد.

مقدمه یکصد صفحه ای مترجم درباره زندگی و اندیشه فخررازی از مهم ترین ویژگی های این اثر است که آن را از دیگر آثار مشابه در قلمرو ترجمه تفاسیر قرآن، ممتاز می سازد.

مترجم در این مقدمه تخصصی، بعد از بیان تاریخ زندگی فخررازی به بیان آرای علمی و نقد اندیشه های این عالم بزرگ جهان اسلام پرداخته است و سیمای حقیقی و به دور از افراط و تفریط دوستان و دشمنان فخررازی را فراروی خواننده کتاب قرار داده است.

از دیگر امتیازات این اثر، پاورقی های فنی و علمی مترجم است که بیشتر در دو قلمرو فقه و فلسفه نمود پیدا کرده است و مطالب مهمی را در شرح یا نقد آرای رازی ارائه کرده است. فهرست بیش از یکصد نکته فقهی و فلسفی که در پاورقی های این کتاب آمده، نشان دهنده بخشی از زحمات مترجم و ارزش علمی این کتاب است.

آثار فخررازی

هر چند تبخیر فخررازی در خصوص علوم عقلی و معارف اسلامی است، ولی گستره و تنوع موضوعی آثارش، کوشش پیوسته او را برای احاطه بر جمیع علوم و معارف بشری عصر خودش نشان می دهد. با چنین کوشش بلند پروازانه، نباید از کثرت کتب و آثار او در اکثر دانش های موجود در شگفت شد و از تلاش او در تألیف علوم و فنون بیرون از حوزه دین، خورده گرفت؛ زیرا او خود در وصیتنامه اش چنین می گوید: «بدانید که من مردی بودم دوستدار دانش و در هر چیزی بدون توجه به چون و چندی آن که حق است یا باطل، غث است یا ثمین،^۱ می نوشتم».

علمی که او در آنها تألیف نموده است: علوم عقلی (فلسفه، کلام، منطقی، جدل)؛ ۲. علوم ادبی (ادب، بلاغت، نحو)؛ ۳. فقه و اصول؛ ۴. تفسیر؛ ۵. تاریخ و سیره؛ ۶. علوم طبیعی و ریاضی؛ ۷. علم طب؛ ۸. علم فراست؛ ۹. بحر و نجوم و رمل؛ ۱۰. دایرة المعارف (دانشنامه ها).

۱. رک به: وصیت رازی در همین مقدمه.

نقد و بررسی کتاب

نگاه به «تفسیر فاتحه الكتاب فخررازی

سیدرضا باقریان موحد

چکیده: تفسیر فاتحه الكتاب فخررازی یکی از پربارترین تفاسیری است که در طول تاریخ اسلام در شرح اسرار معنوی و لفظی سوره حمد نوشته شده است. این اثر به تازگی توسط سید جواد هاشمی نژاد به چاپ رسیده است. نویسنده در مقاله حاضر، در راستای معرفی این ترجمه از کتاب مذکور، ابتدا به بیان و شرح آثار فخررازی می پردازد. سپس به طور مبسوط به جایگاه و منزلت کتاب تفسیر کبیر او اشاره کرده و با به چالش کشیدن تفاوت ترجمه حاضر با ترجمه حلبی، مقاله خویش را ادامه می دهد. در نهایت، با بیان نواقصی که در کار ترجمه به چشم می خورد و نیز روش کار مترجم در ترجمه کتاب، مقاله خویش را به پایان می رساند.

کلیدواژه: ترجمه تفسیر فاتحه الكتاب، ترجمه تفسیر کبیر، ترجمه مفاتیح الغیب، فخررازی، معرفی کتاب، نقد و بررسی کتاب.

پرداخته، با پژوهش دامنه‌دار و وسیع خود توانسته است دایرة‌المعارف عظیم قرآنی را با روش و رویکرد نوین و ابتکار و خلاقیت در موضوعات فراوان، علاوه بر اشتغال بر میراث علمی تفاسیر پیشین، پدید آورد.

برخی این اثر را به سبب ممیزات و خصایص اش پایان سیر تکاملی تفسیر دانسته، به «خاتم التفاسیر» ستوده‌اند؛ زیرا پس از آن دیری نپایید که با رکود علوم در جهان اسلام و افول تمدن اسلامی (با حمله ویرانگر مغولان و جنگ‌های صلیبی) تفسیر نیز از حرکت باز ایستاد.

جایگاه و منزلت تفسیر کبیر

در این میان، «تفسیر فاتحه‌الکتاب» از امام رازی از جهت گستردگی بحث، ژرف‌نگری، تنوع موضوعات در ورود به هر آیه از زوایای مختلف و ارائه تصاویر بدیع قرآنی از آیات مناسب به آیه مورد بحث و گشودن افق‌های ژرف عقلی (کلامی، فلسفی) و چشم‌اندازهای دلپذیر ذوقی (عرفانی) عقد الفرید این گنجینه بوده، در میان کتب پیشین و پس از آن بی‌مانند می‌نماید.

رازی در آغاز، انگیزه‌اش را از نگارش کتاب، این چنین شرح می‌دهد: زمانی گفتیم: از این سوره کریمه که آیات و مفاهیم آن مشتمل بر فریاد و نغایس زیاد است. ممکن است ده هزار مسئله استنباط گردد؛ این سخن بر برخی از حسد و رزان و گروهی از اهل جهل و ستیزه، گران آمد و آن را به دور از واقع دانسته و

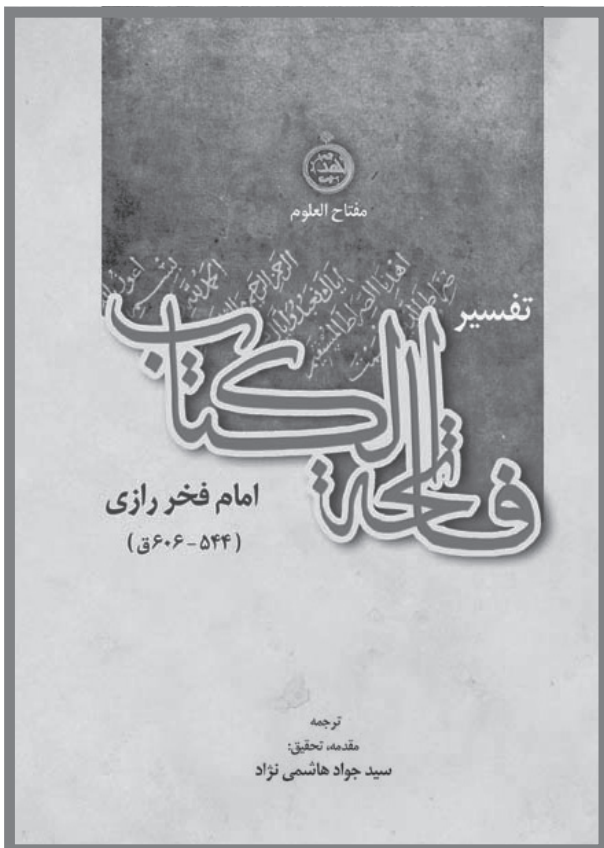
به رغم کوشش شمار زیادی از مورخان پیشین^۱ و محققان جدید^۲ دربارهٔ احصاء مؤلفات امام رازی، هنوز جدول کاملی از آثار او به دست نیامده است؛ بعضی بیش از دویست اثر^۳ و برخی ۱۳۴ اثر^۴ از او شمرده‌اند؛ ولی بر اساس پژوهش عالمانه استاد محمد صالح زرکان، کلیه آثار رازی اعم از کتب مطبوع و غیرمطبوع و کتبی که انتساب آنها به او ثابت و یا غیر ثابت شده است و کتبی که از آنان جز نام وجود ندارد، ۱۹۴ کتاب احصا شده است.^۵

در ادامه، آن دسته از آثار تفسیر رازی را که انتساب آنها به او ثابت شده است، به تحقیق استاد محمد صالح زرکان می‌آوریم: اسرار التنزیل و أنوار التأویل (تفسیر صغیر)؛ ۲. تفسیر سورة الاخلاص؛ ۳. تفسیر سورة البقرة (علی الوجه العقلی)؛ ۴. تفسیر سورة الفاتحة (مفاتیح العلوم)؛ ۵. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) که از مشهورترین و شناخته شده‌ترین تفاسیر قرآن کریم است. تفسیر کبیر در گذشته توسط جمعی، مختصر شده است.

المختصر برهان‌الدین نسفی (م ۶۸۶ هـ) و غرائب القرآن و رغائب الفرقان نظام‌الدین نیشابوری (م ۷۲۸) در دهلی به سال ۱۲۸۰ در سه جزیه چاپ رسیده است. تنویر التفسیر، مختصر تفسیر الکبیر، از مخطوطات کتابخانه پاریس، ترجمه اردوی تفسیر کبیر مولی خلیل احمد اسرئیلی، به نام «سراج منیر» واقع در موزه انگلستان؛ فهرست تفسیر کبیر از mc Neile طبع لندن ۱۹۳۲ و رساله «التنبیه علی بعض الاسرار المودعة فی بعض آیات القرآن»، اثر اخیر، مشتمل بر فصول زیر است: تفسیر قول هو الله أحد؛ تفسیر «سبح اسم ربك الأعلى»؛ تفسیر «سورة والتین»؛ تفسیر «سورة والعصر».

جایگاه و منزلت تفسیر کبیر

مفاتیح الغیب، معروف به «تفسیر کبیر» عالی‌ترین محصول فکری شیخ المفسرین، امام فخرالدین رازی (۶۰۶ هـ) است که به اعتراف اهل نظر از عظیم‌ترین کتب تفسیری است که در تاریخ تطور تفسیر قرآن کریم از آغاز تا قرن هفتم، بلکه پس از آن پدید آمده است. مؤلف در آن، با توجه به مهارت و تبحر کم نظیرش در علوم و دانش‌های گوناگون (ادب، تاریخ، فقه، اصول، حدیث، کلام، فلسفه، عرفان، علوم طبیعی، فلکیات، ریاضیات و نجوم، طب و...) به جوانب مختلف کلام خدا



۲. مانند قطبی در اخبار الحکما (ط ره)، ص ۱۹۱. ابن خلکان دروفیات الاحیان (طه مصر)؛ ج ۳، ص ۳۸۰. صفدی در الوافی بالوفیات؛ ج ۴، ص ۲۵۵. طاش کبری زاده در مفتاح السعادة؛ ج ۱، ص ۴۴۷. ابن عماد در شذرات الذهب؛ ج ۵، ص ۲۱. سبکی در طبقات الشافعیه؛ ج ۵، ص ۳۵. حاجی خلیفه در کشف الظنون؛ ج ۱، ص ۶۱ و ابن ابی أصیبه در عیون الانباء.
۳. بروکلن در تاریخ ادب عربی؛ ترجمه نجارج، ص ۱، ص ۶۶۷. دکتر علی سامی نشار در مقدمه کتاب رازی (اعتقادات فرق...).
۴. ابن سائل خازن در الجامع المختصر؛ ج ۹، ص ۳۰۷.
۵. جج فنوتی؛ مقاله نشر دارالمعارف مصر؛ ص ۲۰۰.
۶. هالرازی و آرائه الکلامیه و الفلسفیه؛ ص ۵۷ به بعد تا آخر فصل.

رموز و اسرار شکرگرف «اسماء مضمرة» (ذکر یاهو) و اسم شریف الله و لطایف الرحمن والرحیم، لطافت بخشیده، خاتمه می‌دهد.

در بخش سوم - که بخش مهم آن است - همین روش با بسط بیشتری ادامه می‌یابد و کتاب با طرح لطایف و اسرار و رموز روحانی و معنوی با بهترین شیوه و سبک به پایان می‌رسد.

حاصل اینکه: او با طرح آرا و اقوال و بیان وجوه و احتمالات فراوان در مسائل نقلی و تکثیر ادله و براهین، همراه انبوهی از مناقشات و تشکیکات عقلی، غباری از حیرت برمی‌انگیزد و آن‌گاه با گشودن رموز و اسرار روحانی و تصویرده‌ها صحنه دلگشای معنوی و لطایف و اشارات ربانی، خار از راه برمی‌کند و نهال شوق برمی‌نشانند و خواننده آخرین برگ‌های کتاب را با کام شیرین از لذت دانستن و سرخوش از شوق آموختن به پایان می‌برد.

باب ترجمه آثار گرانسنگ کهن، به دلیل بار معنایی متن و تفاوت علمی و فنی مترجمان و اختلاف ذوق، دانش و بینش خوانندگان، و نیز تطوّر زبان در بستر زمان، همواره گشوده خواهد بود و چنین متونی ظرفیت ترجمه‌های متنوعی دارند و هر ترجمه‌ای، اثر علمی مستقل و دارای اعتباری ویژه است.

تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) به درستی از نمونه‌های برترین متون بوده که از چنین ظرفیت وسیعی برخوردار است؛ با این وصف در گذشته هیچ ترجمه‌ای از آن گزارش نشده است؛ بنابراین این ترجمه و ترجمه آقای دکتر علی اصغر حلبی، نخستین ترجمه‌های فارسی پس از هشت قرن از تاریخ پیدایش تفسیر کبیر است؛ ولی این دو ترجمه بر اساس مقابله و ارزیابی این جانب و تعدادی از اهل نظر، از جهاتی با هم متفاوت و متمایز هستند. این تفاوت‌ها هر یک را به صورت دواثر جدا از هم نمودار ساخته است. در ادامه به پاره‌ای از تمایزهای ترجمه حاضر با ترجمه ایشان اشاره می‌شود:

نخست، اختلاف از منظر متن: ترجمه حاضر بر اساس متن نشر دارالترتات العربیه با تحقیق و تصحیح جمعی از فضلای مصر، بر اساس نسخ معتبر و عنوان‌گذاری‌های مفید، تفکیک پاراگراف‌ها و ویرایش فنی، صورت گرفته است؛ اما ترجمه آقای حلبی - چنان‌که خود ایشان می‌گوید - «بر اساس چاپ‌های عادی و بازاری و عاری از هرگونه ضبط و ربط اعراب و تحقیق و فهرست است».^۸ این اختلاف، فاصله آشکاری میان دو ترجمه پدید آورنده است؛ به گونه‌ای که خواننده با برگه‌زنی و مقابله ساده، در همان صفحات آغازین متوجه کاستی‌های فراوان ترجمه ایشان می‌شود که اهم آن، سقط عناوین فراوان زیرمجموعه سرفصل‌ها و عدم تفکیک پاراگراف‌ها و فشرده‌گی

قیاس به گفته‌های بی‌مایه و سخنان بی‌اساس و دون پایه خویش نمودند که به آن خو گرفته‌اند. چون نگارش این کتاب را آغاز نمودم، این مقدمه را نگاهشتم تا گواهی باشد بر درستی آنچه در باب علوم بی‌شمار این سوره ادعا نمودیم؛ امری که دستیابی به آن ممکن و رسیدن به آن نزدیک است. اینک بحث را آغاز نموده و از خداوند توفیق می‌خواهیم.

این مقدمه به خوبی نشان می‌دهد امام رازی، این کتاب را نه به عنوان جزء آغازین تفسیر کبیرش، بلکه با رویکرد مستقل و با هدف نشان دادن جامعیت این سوره و هیمنه معنوی آن بردیگرآیات و سوره قرآن کریم و نیز برای اثبات دانایی و توانایی خویش در استنباط معانی بی‌شمار آن، تدوین نموده است.

شیوه او در نظم این کتاب: در ابتدا، تفسیری اجمالی از سوره فاتحه و کیفیت استنباط علوم بی‌شمار از آیات آن ارائه نموده، آنگاه کتاب را به سه بخش اصلی تقسیم می‌کند:

- کتاب نخست: تفسیر «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم»؛
- کتاب دوم: در علوم «بسم الله الرحمن الرحیم»؛
- کتاب سوم: در علوم «الحمد لله رب العالمین».

این بخش‌ها چنان‌که مؤلف از آنها به کتاب تعبیر نموده، به گونه‌ای تدوین شده است که از نظر فنی از دیگری مستقل است و هیچ کدام تمهید یا برآیند دیگری نیست.^۷

شیوه او در هر یک از بخش‌ها، آن است که بحث‌ها را با مباحث لفظی و ادبی آغاز نموده، سپس وارد مباحث عقلی می‌شود و در آخر با لطایف ذوقی و نکات و اشارات فراوان و تصویر صحنه‌های جاذب و دلپذیر، مبحث را پایان می‌دهد؛ مثلاً در کتاب استعاده، نخست مباحث «کلمه‌شناسی» (مسائل نزدیک به زبان‌شناسی امروز و فلسفه زبان) و نکات مهمی درباره قواعد دستور زبان بیان می‌کند و سپس به مباحث عقلی استعاده وارد شده به نحوه هستی اجنه و شیاطین و شیوه‌های اغواگری و وسوسه‌انگیزی آنان می‌پردازد. در انتها نیز بحث را با لطایف و نکات و اشارات ظریف، درباره هدایت و ضلالت و ثواب و گناه و رابطه خدا و انسان و شیطان به پایان می‌برد.

در کتاب دوم نیز با همان شیوه، از مباحث لفظی و نحوه قرائت آغاز می‌کند و سپس اسمای حُسنای الهی را از منظر نقلی و سپس عقلی به بحث می‌کشد و در ادامه این بحث دشوار و سنگین عقلی را با بیان

۷. در واقع هر یک از این بخش‌ها - چنان‌که خود او تعبیر نموده - از نظر فنی از ویژگی یک کتاب مستقل برخوردار است و هر کدام جدا از دیگری تبویب شده، مطالب و موضوعات مربوط به آن در حد کامل در همان بخش استقصاء شده، به بخش دیگر احاله نگشته است؛ به گونه‌ای که هر یک به تنهایی، بدون هرگونه تحول و دستبرد، صلاحیت نشر مستقل دارد؛ ولی حق آن است که دو بخش نخست آن ماهیتاً از تفسیر حمد بیرون است و به دلیل اشتغال آن بر مسائل عقلی، غامض و پیچیده، برای اکثر خوانندگان سودمند نیست. تنها بخش اخیر آن، تفسیر سوره حمد و بیشتر مطالب آن مناسب فهم عموم است.

۸. ترجمه تفسیر کبیر، ج ۱، ص ۵۰.

رفته است؛ همچنین علی‌رغم اهتمام به کاربرد واژه‌های کهن فارسی، به جمله‌های فراوانی برمی‌خوریم که تنها حروف (مانند: فی، من، الی و...) و افعال عموم آن ترجمه شده است و جمله‌ها از لباس زبان اول بیرون نیامده ماند و معانی در پرده ابهام فرورفته‌اند.^{۱۳}

در اینجا بنا بر توصیه متواضعانه مترجم دانشمند که: «توقع دارد که اگر ضمن مطالعه به خطا یا ترک اولی یا نقصانی برسند، یادداشت فرمایند و این ضعیف را ارشاد کنند تا در آینده به اصلاح کار خود بکوشد»،^{۱۴} به پاره‌هایی از این «ترک اولی»‌ها که به نظر رسیده، اشاره می‌شود:

۱. اشتباه معنای اصطلاحی بالغوی: مانند ترجمه اصطلاح فقهی «حنث» و «بزر» در مورد به گناهکاری و نیکوکاری و در جای دیگر بزهداری (رک به: ۸۰، ۸۲ و ۱۰۰).^{۱۵}

۲. اشتباه معنای لغوی با معنای عرفی مانند ترجمه «حج» در روایت «فحج آدم موسی ثلاث مژات» به «سه بار آدم دور سر موسی گشت!» (ص ۱۱۵) و نیز اشتباه در ریشه مصاد، مانند: «احتج» از ریشه حاجت و مصدر احتیاج به احتجاج (صص ۱۱۵ و ۱۱۶) و اشتباه «یشکل» از ریشه اشکل یشکل به معنای مشکل و دشوار به باب تفعیل، به معنی «شکل می‌یابد» (ص ۸۰)؛ همچنین خطا در ترجمه «استب الرجالن عند النبی...» (ص ۷۷ متن عربی) از ریشه سب (ناسزاگویی)، به معنای درخواست توبه (رک به: ص ۱۷۱).

۳. افراط در معنای لغوی: مانند ترجمه «أدون الملائکه» به «فرشته فرومایه» و نیز اشتباه حملی اولی با حمل شایع در عبارت «اذا وضع لفظ الماهیه»^{۱۶} (ص ۲۲).

روش کار

کتاب حاضر علاوه بر حفظ معیارهای به کار گرفته شده در متن مصحح مصر. با رعایت امور زیر سامان یافته است:

۱. رعایت معیارهای علمی و فنی ترجمه با اهتمام به حفظ امانت متن به ویژه آرای علمی و اعتقادی مؤلف.

۲. حفظ اسامی و القاب رجال اعلام دین و جمله‌های مخصوص درود و ستایش که نشانه احترام و گرایش مؤلف به آنان است؛ مانند «علیه السلام» و «صلوة الله علیه» برای حضرت علی و اهل بیت (علیهم السلام)، «رضی الله عنه» برای صحابه، «رحمة الله علیه» برای علما و استفاده از نشانه‌های اختصاری (ص)، (ع)، (ض)، (ر).

مطالب است؛ برای نمونه می‌توان به فصل اول، مقدمه، صفحه ۵۴-۶۶ مراجعه کرد که از پنج عنوان گویا و مفید زیرمجموعه فصل، خبری نیست؛ برای مثال، مقدمه فصل نخست در متن مصحح به این جمله خاتمه می‌یابد: «فنقول وبالله التوفیق» و سپس فصل، با این عنوان آغاز می‌شود: تفسیر الاستعاذه: ان قولنا: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم...».

ترجمه آقای حلبی: «... پس می‌گوییم و از خداوند توفیق جویم» - که چون می‌گوییم «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم».

این کاستی و درهم آمیختگی با این وضوح در آغاز کار. که معمولاً مورد توجه و دقت فراوان مترجمان است. تا آخر کتاب ادامه یافته است؛ افزون بر آن موجب حذف پاره‌ای از مطالب مانند صفحه ۳۴۹ و اختلاف در پاره‌ای از نقل‌ها مانند صفحه ۳۰۸ و ناهماهنگی در ترتیب، مانند صفحه ۲۸۹ نیز شده است.

مترجم محترم نیز آگاه بر کاستی‌های ناشی از متون غیر مصحح بوده، از دشواری و سختی کار نالیده است.

دوم، اختلاف در روش: در ترجمه حاضر، سعی بر ترجمه محتوایی بوده، که در آن می‌باید «معانی را به طول کامل از لباس الفاظ «زبان اول» عریان سازد و سپس لباس «زبان دوم» را به طور کامل بپوشاند؛ به گونه‌ای که احساس نشود این کلام ترجمه از زبان دیگری است و این کاری است بسیار دشوار».^۹

ولی ترجمه ایشان - به سبب تعلق خاطر فراوان به ساختار متن و حفظ امانت - به ترجمه تحت اللفظی - از نوع «جمله به جمله» و گاه «کلمه به کلمه» - گراییده، مثلاً عناوین کلی ابواب و سرفصل‌های کتاب به همان ساختار عربی متن به صورت جمله فعلیه که در گذشته رایج بوده است لفظ به لفظ، خلاف معیارهای رایج ادبیات نگارشی فارسی، حفظ شده است (برای مثال، رک به: ص ۶۶).

سوم، اختلاف در زبان و شیوه نگارش: ترجمه حاضر علی‌رغم کثرت اصطلاحات علمی (ادبی، کلامی، فلسفی، فقهی...) که ناگزیر از حفظ آنها بودیم. با رویکرد به زبان معیار، صورت گرفته است؛ لذا از ساختار ادبیات کهن و آوردن تعبیرات نامأنوس پرهیز شده است؛ اما در ترجمه دکتر حلبی، به سبب کثرت اشتغال ایشان به کتب کهن، تعبیرات نامأنوس چون دهاد و کُنَاد و پابندان^{۱۱} (به جای حدث و زمان) و جمله‌هایی نظیر «آیا محدث و بی‌وضو آن را می‌تواند بپاساود یا نه»^{۱۲}، فراوان به کار

۹. رک به: قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی، پیوست.

۱۰. رک به: فصل اول، ص ۵۴.

۱۱. رک به: ص ۸۳.

۱۲. رک به: ص ۳۸۶.

۱۳. مانند: اسم مشتق از «سما یسمو» است؛ یعنی علی و ظَهْر (متن، ص ۱۰۴ و ترجمه حلبی، ص ۲۳۰).

۱۴. ص ۵۱.

۱۵. در اصطلاح فقهی، به معنی شکستن پیمان و وفا به آن است.

۱۶. نیز: خطا در ترجمه ضرب المثل‌ها مانند مثل سائر «فان المنبت لأرض قطع ولا ظهر أبقی» - که در ضمن کلام مؤلف (ص ۲۳۶) به اقتباس از حدیث نبوی آمده است. به معنای بی‌ربط لغوی: «زیرا رویشگاه آن نه زمینی است که سپرده شود و نه ظهری است که باقی ماند» (ترجمه حلبی، ص ۴۵۳).

تشیع دانسته‌اند؛ مانند فتوا به جهر قرائت «بسم الله» در نماز، مطابق مذهب شیعه امامیه و مخالف مذهب رسمی او (شافعی) و جمهور؛ به این بیان: «من اتخذ علیاً اماماً لدینه فقد استمسک بالعروة الوثقی فی دینه ونفسه» و بیان دیگر: «ومن اقتدی فی دینه بعلی بن ابی طالب رضی الله عنه فقد اهتدی والدلیل علیه قوله ﷺ اللهم أدر الحق مع علی حیث دار».^{۱۷}

دوم: احتراز او نسبت به ائمه مذاهب اسلامی به خصوص ائمه اهل البیت و تکریم امام صادق علیه السلام در این کتاب. او هر چند پاره‌ای از آرای فقهی بعضی از مذاهب مانند مذهب حنفی را به تندی نقد می‌کند، ولی از شخصیت امام مذهب (ابوحنیفه) با احترام و تکریم یاد می‌نماید.

سوم: پرهیز از طرح مباحث کلامی که تنها ارزش تاریخی داشته، اکنون از مسائل زنده اعتقادی مسلمانان نیست و نشر آن در حوزه‌های عمومی (فضاهای ملتهب مذهبی) سودمند نمی‌باشد.

۳. ساماندهی عناوین باب‌ها، فصل‌ها و زیرمجموعه‌ها، با برگردان جمله‌های طولانی فعلیه، به عناوین کوتاه و گویای اسم مصدری، مطابق موازین رایج عنوان‌گذاری.

۴. افزودن عناوین فرعی در موارد لازم و جداسازی آنها از عناوین اصلی با نشانه قلاب.

۵. بیان آیات و روایات با ترجمه فارسی در متن، ترجمه آیات براساس ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ترجمه روایات از خود مترجم.

۶. استخراج احادیث از منابع معتبر فریقین، با استفاده از نرم‌افزار «معجم احادیث شیعه و سنی» (مرکز معجم فقهی).

بنابراین شماره مجلدات و صفحات منابع، مطابق کتب مورد استفاده معجم می‌باشد.

مترجم در پاورقی‌ها از آوردن مطالب انتقادی. اعتقادی به دلایل زیر پرهیز کرده است:

نخست: وجود انصاف علمی مؤلف در طرح و نقد آرای مخالفانش مانند معتزله و شیعه؛ به گونه‌ای که برخی این انصاف و وارستگی او از تعصب مذهبی را دلیل اعتقاد پنهان او به اعتزال و یا گرایش او به

۱۷. تفسیر کبیر؛ ج ۱، صص ۱۸۰ و ۱۸۲.